

ارزیابی هدف‌های برنامه دوم و سوم توسعه در بخش صادرات غیر نفتی با توجه به ظرفیت‌های تولیدی بخش‌های اقتصادی

نویسندگان: دکتر حسین پیراسته*
فرزاد کریمی**

چکیده

در این مقاله، در صدد ارزیابی هدف‌های برنامه دوم و سوم توسعه در بخش صادرات غیر نفتی با توجه به پتانسیل‌های تولید می‌باشیم، بدین منظور، ضریب‌های صادراتی بخش‌های عمده اقتصادی (کشاورزی، صنعت و معدن، و خدمات) محاسبه و با عنایت به نرخ‌های پیش‌بینی شده رشد تولید در هر برنامه، تحقق هدف‌های صادرات غیر نفتی را ارزیابی کرده‌ایم. نتایج نشان می‌دهد که به رغم پیش‌بینی یک جهش قابل ملاحظه در صادرات غیر نفتی در برنامه سوم، شک و تردیدهایی در مورد تحقق هدف‌های صادرات غیر نفتی در سال‌های نیمه دوم برنامه وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج، گویای این امر است که اگر چه هدف‌های صادرات در بخش خدمات کاملاً قابل تحقق است، اما در برنامه به ظرفیت‌های این بخش بهای لازم داده نشده و توان صادراتی این بخش از پیش‌بینی برنامه به مراتب بیشتر است.

* عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

** عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی مبارکه

مقدمه

بخش بازرگانی خارجی از جمله مهم‌ترین اجزای نظام‌های اقتصادی است که امروزه در اثر گسترش فن‌آوری و افزایش تنوع در تولید کالاها در جهان، اهمیتی روزافزون یافته است. شواهد نظری قوی حاکی از تأثیر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی است (آدامز، ۱۹۹۲؛ ادواردز ۱۹۹۳؛ رحمان، ۱۹۹۳). تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که حضور در بازارهای جهانی و بهره‌گیری از مزیت‌های تجارت خارجی، راهگشای توسعه اقتصادی آنها به شمار می‌رود.

بدین لحاظ، توجه به توسعه و افزایش صادرات و سیاست‌های راهبرد توسعه صادرات، به ویژه صادرات غیرنفتی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش ظرفیت‌های تولیدی، افزایش ظرفیت‌های اشتغال، افزایش درآمد و توزیع عادلانه‌تر آن و بهبود بهره‌وری عوامل تولید مورد توجه مسئولان برنامه‌ریزی این کشورها قرار گرفته است (بیگم، ۱۹۹۸؛ پیچ، ۱۹۹۳). در ایران نیز توجه برنامه‌ریزان و مسئولان در چهارچوب برنامه‌های دوم و سوم توسعه به ایجاد جهش در بخش صادرات غیرنفتی به عنوان یکی از اساسی‌ترین هدف‌ها برای تحقق توسعه اقتصادی معطوف گشته است.

در این مقاله، در صدد ارزیابی هدف‌های برنامه‌های دوم و سوم توسعه در بخش صادرات غیرنفتی با توجه به ظرفیت‌های تولید می‌باشیم. بدین منظور، عملکرد صادراتی^۱ بخش‌های عمده اقتصادی را با استناد به شواهد تاریخی محاسبه کرده‌ایم و سپس تحقق هدف‌های صادرات غیرنفتی مورد پیش‌بینی برنامه‌های توسعه را با عنایت به نرخ‌های پیش‌بینی شده رشد تولید در این برنامه‌ها، ارزیابی نموده‌ایم. برای این منظور، دو سناریوی مختلف، یکی با دید خوش‌بینانه براساس حداکثر عملکرد صادراتی در دوران پیشین و دیگری با دیدگاهی محتاطانه‌تر براساس حد متوسط این عملکرد در نظر گرفته می‌شود. سپس با توجه به هدف‌های رشد تولید بخش‌های

اقتصادی و با در نظر گرفتن این دو دیدگاه به عنوان حد بالا^۱ و حد پایین^۲ توان صادراتی، هدفهای صادرات برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. بدین روی، در این مقاله، ابتدا به هدفها و سیاست‌های برنامه دوم و سوم توسعه در بخش تجارت خارجی اشاره مختصری می‌کنیم و سپس این هدفها را به کمک روش یادشده ارزیابی می‌نماییم.

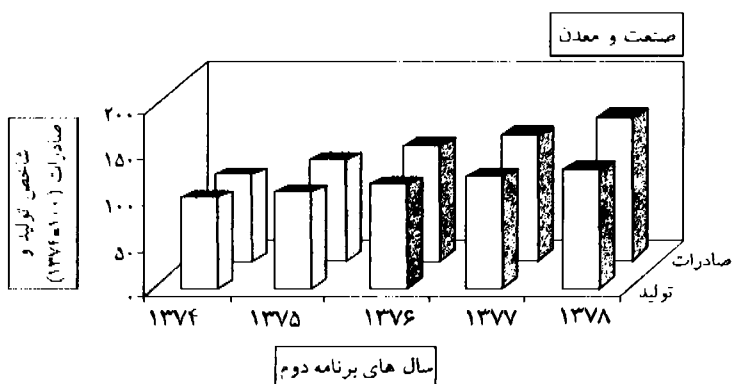
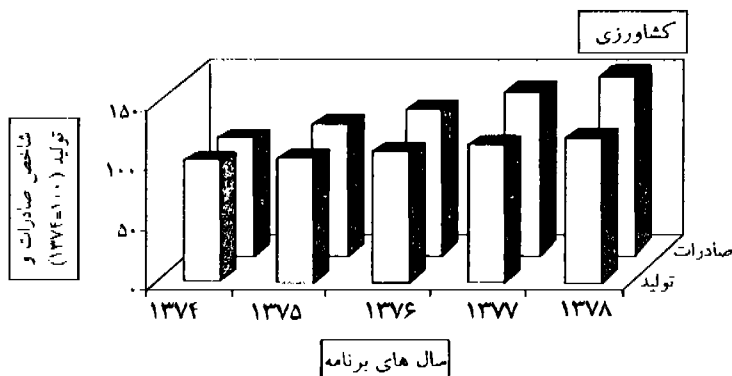
هدفهای تولید و صادرات در برنامه دوم و سوم توسعه

ساختار اقتصادی کشور از سالیان گذشته بر پایه واردات کالاها از هر سه نوع مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای و از محل درآمدهای حاصل از فروش نفت طرح‌ریزی گردیده و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی نیز رقم قابل ملاحظه‌ای به شمار نمی‌رفته است. از ابتدای برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توجه به بخش صادرات عملاً در رأس برنامه اقتصادی دولت قرار گرفت که همچنان ادامه دارد. نمودار ۱، نشان می‌دهد که در طول برنامه دوم، هدفهای رشد صادرات از هدفهای رشد تولید پیشی گرفته است. در حالی که در بخش کشاورزی کمتر از ۲۰ درصد رشد برای تولید واقعی در طی دوره پنجساله در نظر گرفته شده، هدف برنامه افزایش ۵۰ درصدی در صادرات این بخش را نوید داده است. در بخش صنعت نیز با نیت یک افزایش ۲۵ درصدی در تولید این بخش (صنعت، معدن، فرش و صنایع دستی) در سال پایانی برنامه نسبت به سال آغازین آن، افزایش ۵۴ درصدی در صادرات این بخش در طی همین دوره مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است.

بنابراین، با مقایسه نرخهای رشد تولید و صادرات، گرایش نسبی در جهش صادراتی در برنامه دوم توسعه مشاهده می‌شود. اما این که تا چه حد هدفهای تولید و صادرات در بخش‌های مذکور تحقق یافته است، موضوعی است که در بخش بعد به آن می‌پردازیم.

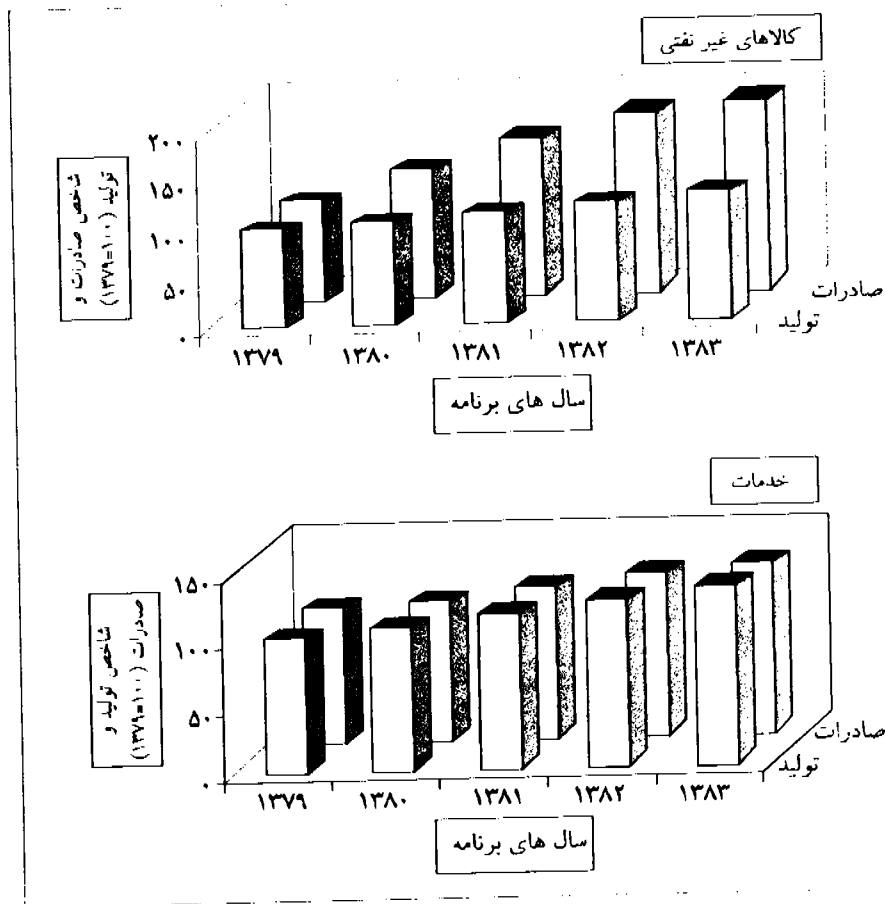
1. Uper Bound
2. Lower Bound

نمودار ۱. هدف‌های تولید و صادرات در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۹)



در برنامه سوم توسعه، هدف‌های تولید در بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، و خدمات، با نرخ‌های رشدی، به ترتیب، معادل ۲۳ درصد، ۳۷ درصد و ۳۲ درصد در سال پایانی دوره برنامه نسبت به سال شروع آن در نظر گرفته شده است. اگر این نرخ‌های رشد با نرخ‌های رشد صادرات بخش‌های مذکور مقایسه گردد، مشاهده می‌کنیم که در برنامه سوم توسعه نیز گرایش در جهش صادراتی کالاهای غیرنفتی مورد توجه برنامه قرار گرفته است، لیکن در مقایسه با برنامه دوم، جهش صادراتی در برنامه سوم به مراتب چشمگیرتر می‌باشد. نمودار ۲، به مقایسه نرخ‌های رشد تولید و صادرات در بخش کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه سوم می‌پردازد.

نمودار ۲. هدف‌های تولید و صادرات در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)



در جهت دستیابی به این هدف‌های صادراتی نیز جهت‌گیری‌های زیر در این برنامه مدنظر قرار گرفته است (مستندات برنامه سوم، جلد پنجم).

- دستیابی به جهش صادراتی با به کارگیری سیاست استراتژیک تجاری در جهت بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی موجود و کمک به خلق مزیت‌های نسبی.
- ایجاد تحرک بیشتر تجاری کشور و استفاده از ترجیحات تجاری از طریق عضویت در سازمان‌های تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای.
- کاهش تعدد نرخ‌های ارز و حفظ ثبات نرخ واقعی ارز (مورد عمل در صادرات).

- کاهش تدریجی موانع تعرفه‌ای.
 - اولویت دادن به صنایع صادراتی در تنظیم سیاست‌های صنعتی و ...
- در ادامه، تحقق هدف‌های صادرات غیرنفتی در برنامه‌های دوم و سوم ارزیابی خواهد گردید.

ارزیابی تحقق هدف‌های صادرات غیرنفتی در برنامه دوم و سوم توسعه

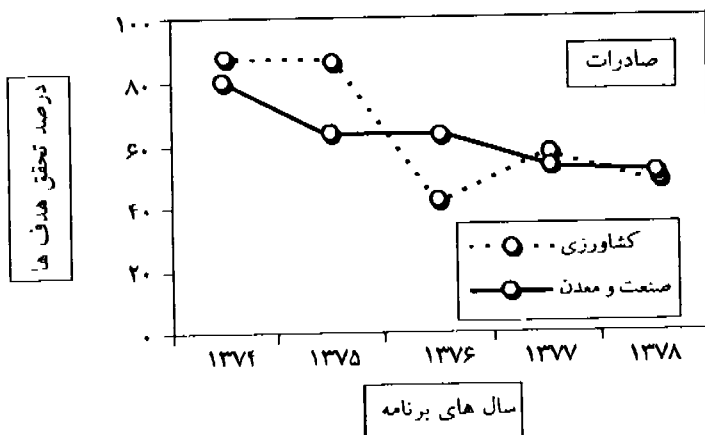
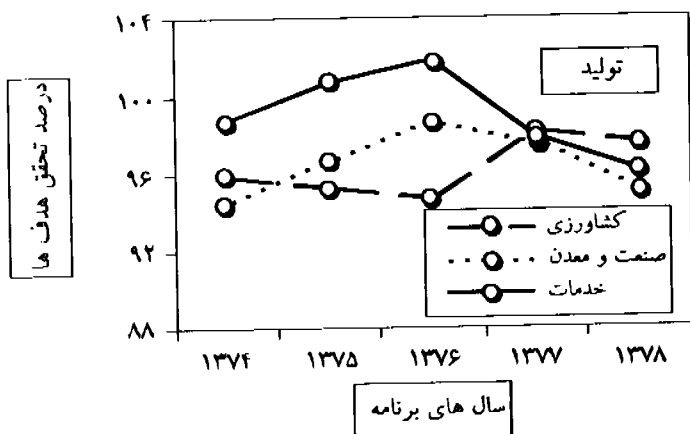
نمودار ۳، گویای این واقعیت است که هدف‌های تولید برنامه دوم تا حدود زیادی تحقق پیدا نموده است. به ویژه آن که در سال ۱۳۷۶، رشد تولید بخش خدمات از هدف برنامه پیشی گرفته و بخش صنعت و معدن نیز به هدف برنامه در آن سال بسیار نزدیک شده است. لیکن سیاست‌های مهار تورم و رکود اقتصادی حاصل از آن در سال‌های نیمه دوم دهه ۱۳۷۰، اثرات خود را به عدم تحقق کامل هدف‌های تولید برنامه پس از گذشت دو سال از شروع آن به جای گذاشته و تحقق هدف‌ها روند نزولی را آغاز کرده است.

در واقع، اگر هدف‌های تولید برنامه در عمل تحقق یابفتنی نباشد، چگونه می‌توان انتظار داشت که هدف‌های صادرات بخش‌های غیرنفتی اقتصاد دست یابفتنی باشند؟ نمودار ۳، همچنین نشان می‌دهد که عملکرد صادرات غیرنفتی اقتصاد نه تنها هرگز صد در صد جنبه عملی به خود نگرفته، بلکه از همان ابتدای شروع برنامه شکاف بین هدف‌های صادرات برنامه و نحوه عملکرد صادراتی عمیق‌تر گشته است. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که تنها ۶۱ درصد هدف‌های صادرات پیش‌بینی شده برنامه در کل تحقق یافته که در بهترین حالت و در ابتدای برنامه (۱۳۷۴)، بیش از چهار پنجم، و در بدترین حالت و در سال پایانی برنامه (۱۳۷۸)، تنها نیمی از هدف‌ها در بخش صادرات غیرنفتی تحقق یافته است. بنابراین، برنامه دوم در دست یافتن به هدف‌های خود، در امر تولید به مراتب موفق‌تر بوده است تا در امر صادرات.

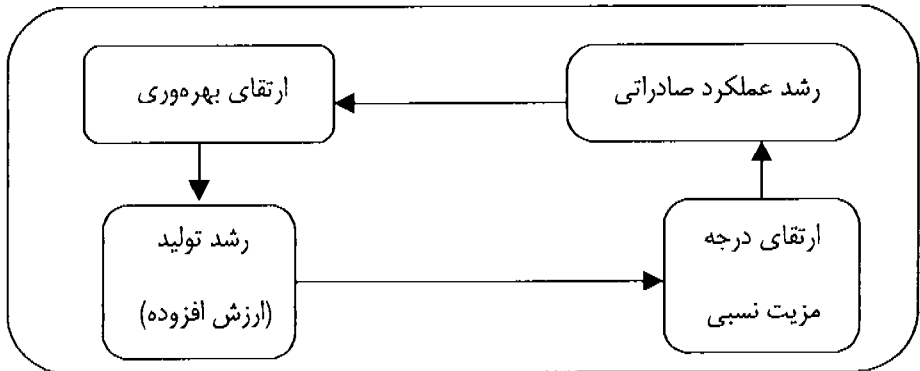
پرکینز (۱۹۹۷) که به بررسی عملکرد صادراتی واحدهای صنعتی در استان‌های ساحلی چین پرداخته و به عوامل تعیین‌کننده این عملکرد اشاره می‌نماید و در میان چندین عاملی که بر می‌شمرد، از تأثیر مزیت نسبی بر عملکرد صادرات نام می‌برد. یکی دیگر از یافته‌های مهم وی آن است که بنگاه‌های صادرات‌گرا، نرخ رشد بهره‌وری عوامل تولید بیشتری را نسبت به سایر

بنگاهها نشان می‌دهند. به بیان صریح‌تر، رشد بهره‌وری معلول صادرات‌گرایی بنگاههای اقتصادی یافت شده است. اما نکته‌ای که باید بر مطالعه پرمکینز افزود، آن است که رشد بهره‌وری از طریق ایجاد رشد بیشتر تولید، ممکن است مزیت نسبی واحدهای تولیدی را به طور مثبت تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، بین بهره‌وری، مزیت نسبی و عملکرد صادراتی، رابطه‌ای را به شکل زیر می‌توان تصریح نمود.

نمودار ۳. چگونگی تحقق هدف‌های تولید و صادرات برنامه دوم



ارتباط بین بهره‌وری، مزیت نسبی و عملکرد صادراتی



یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که بهره‌وری مشاغل در اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۵ کمتر از سطح بهره‌وری در سال ۱۳۵۵ بوده و میزان بهره‌وری در هیچ یک از بخش‌های اقتصادی به سطح بهره‌وری در سال ۱۳۵۵ نرسیده است. به علاوه، بهره‌وری بخش خدمات همیشه کمتر از میزان بهره‌وری سایر بخش‌ها بوده که این امر می‌تواند از تراکم اشتغال، تأثیر قانون بازده نزولی و وجود مشاغل کم بازده (و کاذب)، و در نهایت، از وضع عوارض نامطلوب و سنگین دستگاه‌های دولتی بر این بخش ناشی شده باشد. در بخش صنعت نیز نرخ رشد بهره‌وری بین سال‌های (۱۳۷۰-۱۳۷۵) به میزان $(-۱/۷)$ درصد کاهش یافته است.

به طور کلی، آن چه از شواهد و قرائین حاصل می‌شود، نشان از پایین بودن بهره‌وری نیروی کار در اقتصاد ایران دارد. یکی از گزارش‌های اخیر سازمان بین‌المللی کار نشان داده است که نیروی کار شاغل در ایران، یکی از پایین‌ترین سطوح بهره‌وری در جهان را داراست (مجله بورس، ۱۳۷۸). اگرچه بررسی عواملی که قلت بهره‌وری نیروی کار را در اقتصاد ایران رقم می‌زنند در این مقاله نمی‌گنجد، لیکن کافی است اشاره شود که عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر این مسئله تأثیر گذارند. بنابراین، در تبیین و تدوین هدف‌های تولید و ظرفیت‌های صادراتی در هر برنامه توسعه‌ای، نه تنها باید ظرفیت‌های فیزیکی تولید و امکانات و ظرفیت‌های در دسترس مورد مذاقه قرار گیرد، بلکه باید بهره‌وری عوامل تولید و میزان ترقی آن در طول سال‌های برنامه

در تعیین چنین هدف‌هایی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دقیق‌تر، تحقق هدف‌های هر برنامه توسعه، در گرو سازگاری هدف‌ها و سیاست‌های تعیین شده در برنامه، شناسایی و ارزیابی میزان تأثیر متغیرهای خارج از کنترل مدیریت اقتصادی و اجتماعی کشور و ارزیابی دقیق محدودیت‌ها، امکانات، منابع و فن‌آوری در دسترس و تعهدات ایجاد شده به دلیل سیاست‌های قبلی است.

یکی از روش‌های کمی متداول در ارزیابی عملکرد صادراتی بخش‌های اقتصادی، استفاده از ضریب‌های این عملکرد در طی دوره‌های زمانی قبل است. با محاسبه این ضریب‌ها در قالب دو سناریو، یکی با دیدی خوشبینانه (حد بالا) که حداکثر توان بالقوه صادراتی را عطف به تجارب گذشته ارائه می‌دهد و دیگری با دیدی محتاطانه‌تر (حد پایین) که حد متوسط توان صادراتی را در پیش رو می‌گذارد و همچنین با توجه به هدف‌های تولید برنامه، می‌توان حدود بالا و پایین توانمندی‌های صادرات کالاها (غیرنفתי) و خدمات را در طی برنامه تعیین نمود. با تعیین این حدود، ارزیابی امکان تحقق هدف‌های صادرات برنامه و میزان احتمال آن انجام‌پذیر می‌گردد. جدول ۱، نتایج محاسبات را با پیش‌بینی برنامه و عملکرد صادرات در بخش کشاورزی و صنعت و معدن ارائه می‌دهد.^۱

جدول ۱. بهره‌برداری از ظرفیت‌های تولید برای صادرات در برنامه دوم توسعه

(میلیون دلار)

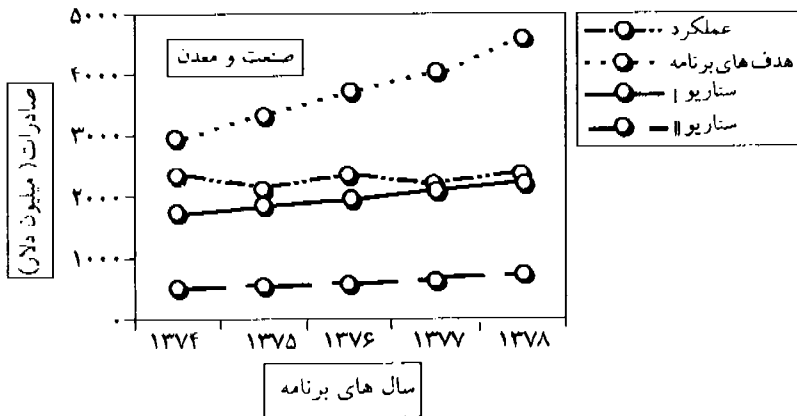
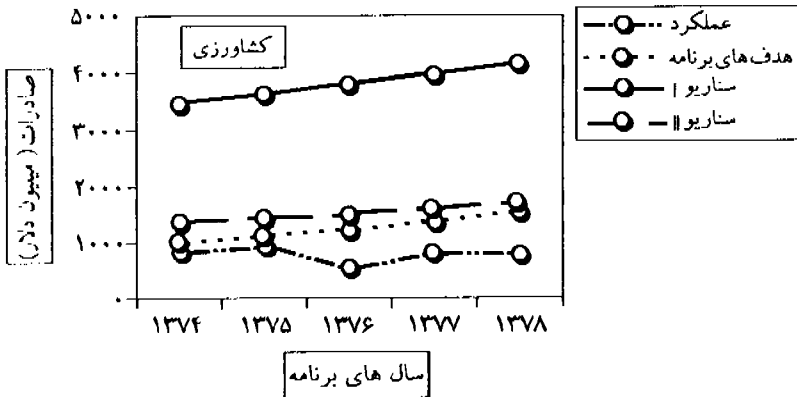
بخش	پیش‌بینی برنامه*	سناریو I	سناریو II	عملکرد*
کشاورزی	۶۲۳۶/۴	۱۸۹۲۲/۵۶	۷۴۷۰/۷	۳۹۰۴/۸
صنعت و معدن	۱۰۹۸۵/۴	۹۶۷۰/۷	۲۸۸۲/۵	۷۶۶۴/۷

* مآخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تحولات اقتصادی کشور، سال‌های مختلف، سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۷۳). قانون برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸) و مستندات برنامه سوم توسعه (جلد چهارم؛ عملکرد چهار سال اول برنامه دوم توسعه)، ص ۵۱-۵۳.

۱. برای پیش‌بینی صادرات بخش‌های کشاورزی و صنعت و معدن در طی سال‌های برنامه دوم از ضریب‌های صادراتی برای دوره (۱۳۶۰-۱۳۷۳)، تحت سناریوهای I و II استفاده شده است، مفروضات سناریوها به طور مشخص در صفحه ۱۱ آمده است.

نمودار ۴. به مقایسه هدف‌های مورد پیش‌بینی برنامه، عملکرد و برآوردهای حاصل در سناریوهای I و II در طول سال‌های برنامه می‌پردازد.

نمودار ۴. ارزیابی هدف‌ها و عملکرد صادرات برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)



در واقع، شکاف بین هدف‌های صادرات برنامه و عملکرد آن را می‌توان چنین توجیه نمود که ممکن است در دنیای واقعی، بین انتظاری که از نتیجه اتخاذ یک سیاست اقتصادی وجود دارد با عملکرد آن تفاوت زیادی وجود داشته باشد. در یک برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی، با توجه به حجم زیاد اطلاعات موردنیاز برای تصمیم‌گیری، درجه‌ای از عدم تمرکز

اطلاعاتی و عدم تمرکز مراکز تصمیم‌گیری وجود دارد. اگر هماهنگی و وفاق کاملی بین مراکز مختلف تصمیم‌گیری در نظام برنامه‌ریزی وجود نداشته باشد (نمونه عینی آن عدم سازگاری بین دیدگاهها و نظرات کلان وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است)، احتمال زیادی وجود خواهد داشت که برنامه ناسازگاری تهیه شود. مواردی از این عدم سازگاری را می‌توان بین هدف‌های تولید و صادرات و عملکرد هر یک در برنامه اول و دوم نظاره نمود. مستندات برنامه سوم علت مغایرت شاخص‌های هدف و عملکرد هر برنامه را به چهار دسته از عوامل زیر نسبت داده است:

- اشتباه احتمالی در استنباط مناسب اقدامات و تصمیم‌گیری با اهداف تعیین شده از طرف سیاست‌گذاران و یا انتخاب اهداف متعارض.
- وجود متغیرهای مؤثر بر نظام اقتصادی خارج از کنترل دولت و کنترل ناقص بر ابزار سیاست‌های اقتصادی.
- عدم اجرای صحیح برنامه.
- تأثیر تصمیمات اتخاذ شده قبلی بر سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی کنونی.

برای ارزیابی هدف‌های کمی صادرات برنامه سوم، نتایج حاصل از برآورد صادرات بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات در طی سال‌های برنامه مذکور براساس ضریب‌های عملکرد صادراتی در جدول ۲ ارائه گردیده است.^۱ فرض بر این است که ضریب‌های صادراتی مورد استفاده برای پیش‌بینی صادرات بخش‌ها، طی برنامه سوم، از حداقل و حداکثر این ضریب‌ها در طی دوره‌های گذشته (۱۳۶۰-۱۳۷۸) فراتر نخواهد رفت.

۱. با فرض ثبات نرخ ارز، در طی سال‌های برنامه و با احتساب نسبت صادرات (دلار) به تولید بخش‌های مربوطه (ریال - قیمت‌های ثابت)، (ضریب‌های صادراتی)، و حاصل ضرب نسبت‌های مذکور براساس سناریوهای I و II در ارقام تولید هر بخش (ریال) در طی سال‌های برنامه، میزان صادرات این بخش‌ها، تحت دو سناریوی متفاوت به دلار مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

جدول ۲. برآورد میزان بهره‌برداری از ظرفیت‌های تولید به منظور صادرات در

برنامه سوم

(میلیون دلار)

سناریوی (II)			سناریوی (I)			بخش
(حد پایین)			(حد بالا)			
خدمات	صنعت و معدن	کشاورزی	خدمات	صنعت و معدن	کشاورزی	
۱۳۱۵	۸۶۴	۱۶۹۷	۲۲۶۵	۲۲۰۱	۴۱۷۲	۱۳۷۹
۱۴۱۰	۹۳۵	۱۷۸۷	۲۴۲۸	۲۳۸۳	۴۳۹۴	۱۳۸۰
۱۵۱۴	۱۰۱۳	۱۸۸۶	۲۶۰۷	۲۵۸۳	۴۶۳۵	۱۳۸۱
۱۶۱۹	۱۰۹۴	۱۹۸۱	۲۷۸۹	۲۷۸۹	۴۸۷۰	۱۳۸۲
۱۷۳۷	۱۱۸۵	۲۰۸۷	۲۹۹۱	۳۰۱۹	۵۱۳۱	۱۳۸۳

مأخذ: محاسبات نویسنده براساس میانگین ضریب‌های صادراتی محاسبه شده تحت سناریوهای I، II. آمار مربوط به تولید هر بخش به قیمت ثابت طی سال‌های برنامه، از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دفتر اقتصاد کلان، آمار منتشر نشده.

از آن جایی که در مستندات برنامه، پیش‌بینی کلی صادرات کالاهای غیرنفتی تنها به صورت کلی (و نه به تفکیک بخشی) ارائه شده است، برای ارزیابی هدف‌های برنامه، الزاماً ارقام برآوردی صادرات بخش‌های کشاورزی و صنعت و معدن با یکدیگر جمع گردیدند. نتایج حاصل در جدول ۳ گردآوری شده است. برای نگرش کلی به برآوردهای انجام شده و مقایسه آن با هدف‌های صادرات برنامه، نمودار ۵ تهیه گردید. این نمودار و جدول فوق، دو نکته را آشکار می‌سازد.

الف) با توجه به هدف‌های تولید برنامه در بخش کالاهای غیرنفتی اقتصاد و برآورد حد بالا از توانمندی‌های صادراتی این بخش، به نظر می‌رسد که هدف‌های صادراتی آن تا سال ۱۳۸۱ قابل حصول باشد. حتی این امکان نیز وجود دارد که صادرات این نوع کالاها در عمل از میزان پیش‌بینی برنامه بیشتر گردد. اما برآوردها نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۱ به بعد، حتی اگر هدف‌های تولید برنامه جامه عمل به خود بیوشاند، تنها ۹۰ درصد هدف‌های صادرات در این بخش قابل حصول خواهد بود. از سوی دیگر، دیدگاه محتاطانه‌تر حاکی از آن است که هدف‌های

برنامه در هیچ یک از سال‌های برنامه، با توجه به نرخ‌های رشد تولید، نمی‌تواند قابل حصول باشد و حتی با نزدیک شدن به سال‌های پایانی برنامه، از احتمال تحقق هدف‌ها به مراتب کاسته خواهد شد. براساس سناریو II، در بهترین حالت، تنها ۶۰ درصد هدف‌های برنامه قابل دسترسی است.

جدول ۳. ارزیابی اهداف برنامه سوم در بخش صادرات غیرنفتی

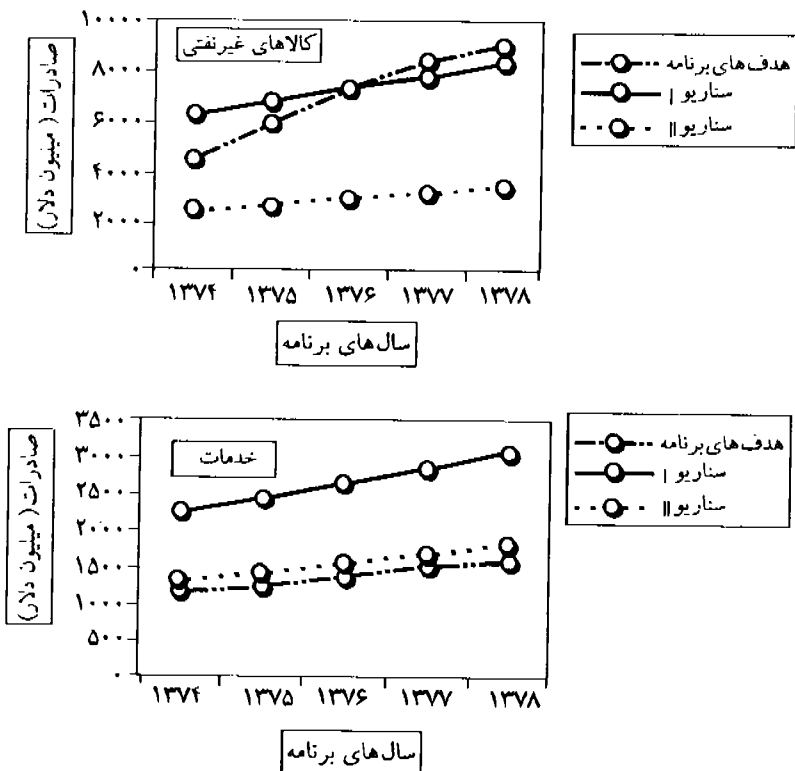
(میلیون دلار)

خدمات			کالاهای غیرنفتی			سال‌های برنامه
سناریو (II)	سناریو (I)	پیش‌بینی برنامه	سناریو (II)	سناریو (I)	پیش‌بینی برنامه	
۱۳۱۵	۲۲۶۵	۱۱۸۶	۲۵۶۱	۶۲۷۳	۴۵۸۱	۱۳۷۹
۱۴۱۰	۲۴۴۸	۱۲۳۴	۲۷۲۲	۶۷۷۶	۵۹۴۷	۱۳۸۰
۱۵۱۴	۲۶۰۷	۱۳۴۸	۲۸۹۹	۷۲۱۸	۷۱۸۸	۱۳۸۱
۱۶۱۹	۲۷۸۹	۱۴۴۹	۳۰۷۵	۷۶۵۹	۸۲۵۷	۱۳۸۲
۱۷۲۷	۲۹۹۱	۱۵۰۸	۳۲۷۱	۸۱۴۹	۸۸۰۰	۱۳۸۳
۷۵۹۵	۱۳۰۸۰	۶۷۲۵	۱۴۵۲۸	۳۶۱۷۵	۳۴۷۷۳	کل

مأخذ: آمار مربوط به ستون‌های پیش‌بینی صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات برنامه، از مستندات برنامه سوم، جلد پنجم، صفحه ۱۹۶ و ستون‌های مربوط به سناریوهای I و II از جدول ۲ آمده است.

ب) با توجه به هدف‌های تولید برنامه در بخش خدمات و برآوردهای حد بالا و پایین از توانمندی‌های صادراتی این بخش، هدف‌های صادراتی آن کاملاً قابل حصول به نظر می‌رسد. در واقع، محاسبات نشان می‌دهد که ظرفیت‌های صادراتی این بخش به مراتب بیش از آن است که در برنامه سوم مدنظر قرار گرفته است. به عبارت دیگر، در این برنامه به ظرفیت‌های صادراتی بخش خدمات، حتی با توجه به نرخ‌های رشد تولید مورد هدف، بهای لازم داده نشده است. این مطلب را می‌توان از مقایسه هدف‌های برنامه و برآوردهای حاصل از دو سناریوی مطرح شده، استنتاج نمود. تحت سناریوهای مطرحه، صادرات برآوردی بیش از هدف‌های پیش‌بینی شده است.

نمودار ۵. ارزیابی هدف‌های صادرات برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)



در مورد صادرات بخش خدمات باید توجه داشت که یکی از مهم‌ترین درآمدهای حاصل از صادرات خدمات، از بخش گردشگری نتیجه می‌شود. امروزه صنعت جهانگردی و گردشگری از مهم‌ترین منابع تأمین درآمد ارزی، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال به شمار می‌آید که این امر مدیون ارتباطات فرا دست و فرودستی است که این بخش از خدمات با سایر بخش‌های اقتصادی برقرار می‌سازد. مسئله این است که صنعت خدمات جهانگردی که بخش صادرات خدمات نامرئی اقتصاد تلقی می‌شود، تاکنون جایگاه واقعی خود را در اقتصاد ایران پیدا نکرده است. با وجود موقعیت مناسب و مساعد جغرافیایی و جاذبه‌های گردشگری در ایران، به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب در زمینه خطوط ارتباطی، هتلداری، رستوران و خدمات بانکی و بیمه برای

گردشگران خارجی و حتی نبود رقابت و حاکمیت شرکت‌های خدماتی گردشگری با ویژگی انحصاری در ارائه خدمات به بازدیدکنندگان خارجی، اقتصاد ایران قادر به جذب درآمدهای ارزی چندانی از این بابت نبوده است. براساس گزارش سازمان ایرانگردی و جهانگردی، در سال ۱۹۹۹، تنها ۱/۳ میلیون نفر از ایران بازدید نموده‌اند (جدول ۴). مسئله تنها قلت بازدیدکنندگان نیست، بلکه قدرت خرید آنان نیز از مهم‌ترین معیارهای کسب درآمد ارزی به شمار می‌رود. آمار نشان می‌دهد که متوسط درآمد حاصل از ورود هر گردشگر خارجی در ایران تنها ۵۰۰ دلار بوده است که در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی و متوسط مدت اقامت هر جهانگرد رقم بسیار ناچیزی است.

جدول ۴. تعداد جهانگردان و درآمد حاصل از آن در صنعت گردشگری

(هزار نفر - میلیون دلار) (۱۹۹۵-۱۹۹۹)

سال	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
تعداد گردشگران	۴۸۸/۹	۵۷۳/۵	۷۶۴/۱	۱۰۰۷/۵	۱۳۰۰
درآمد اکتسابی	۲۲۰/۰۱	۲۶۱/۲	۳۸۲/۰۵	۵۰۳/۷۵	۶۶۵/۶

مأخذ: سازمان ایرانگردی و جهانگردی ایران.

براساس پیش‌بینی سازمان ایرانگردی و جهانگردی، با تحول صنعت گردشگری در ایران، تا پایان سال ۲۰۰۵، سالانه ۴ میلیون نفر گردشگر خارجی وارد ایران می‌شوند. بر این اساس و با استفاده از فرمول نرخ رشد مرکب، تعداد بازدیدکنندگان از کشور در طی سال‌های برنامه سوم محاسبه گردید (جدول ۵). حتی اگر همان رقم ۵۰۰ دلار درآمد ارزی برای هر جهانگرد در نظر گرفته شود، مشاهده می‌گردد که درآمد ارزی حاصله در طول سال‌های برنامه، به رقم صادرات پیش‌بینی شده برای کل بخش خدمات بسیار نزدیک است. بنابراین، با یک برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسب می‌توان با توسعه هر چه بیشتر این صنعت، صادرات خدمات را حتی تا دو برابر میزان پیش‌بینی شده افزایش داد.

جدول ۵. پیش‌بینی تعداد جهانگردان و درآمد اکتسابی از محل گردشگری در طی برنامه سوم

(هزار نفر - میلیون دلار)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
تعداد بازدیدکنندگان	۱۵۷۳	۱۹۰۴	۲۳۰۴	۲۷۸۷	۳۳۷۳
درآمد اکتسابی	۷۸۶/۵	۹۵۲	۱۱۵۲	۱۳۹۳/۵	۱۶۸۶/۵

خلاصه

در این مقاله، کوشیدیم تا با محاسبه ضریب‌های عملکرد صادراتی برای بخش‌های عمده اقتصادی، هدف‌های تولید و صادرات غیرنفتی در برنامه‌های دوم و سوم توسعه را ارزیابی نماییم. نتایج حاصله نشان می‌دهد که به رغم تحقق نسبی هدف‌های تولید در برنامه دوم، این برنامه نتوانسته است در بخش صادرات کالاهای غیرنفتی (صنعت، معدن و کشاورزی) به هدف‌های از پیش تعیین شده نایل آید.

در چهارچوب هدف‌های کلان تولید و صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات برنامه سوم توسعه، به رغم پیش‌بینی یک جهش قابل ملاحظه در صادرات غیرنفتی نسبت به تولید (و در مقایسه با برنامه دوم)، ملاحظه می‌گردد که اگر چه این هدف‌ها در بخش خدمات کاملاً قابل تحقق و دست‌یافتنی است، لیکن در مورد تحقق هدف‌های صادرات کالاهای غیرنفتی شک و تردیدهایی در سال‌های نیمه دوم برنامه وجود دارد. در صورتی که عملکرد تولید بخش‌های مذکور از هدف‌های پیش‌بینی شده فراتر رود، احتمال دسترسی به هدف‌های صادرات امکان‌پذیر می‌باشد.

با توجه به ظرفیت‌های تولید بخش خدمات، به ویژه در بخش صادرات گردشگری، هدف‌های صادرات این بخش در برنامه سوم کمتر از ظرفیت موجود ارزیابی شده است. صرفاً با گسترش و توسعه صنعت گردشگری، می‌توان به تحقق هدف‌های صادرات خدمات برنامه دست‌یافت که این امر حاکی از اهمیت والای ظرفیت صنعت گردشگری کشور در کسب درآمدهای ارزی و ارتقای بخش صادرات غیرنفتی است.

منابع

الف) فارسی

- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۸). لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹). مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- _____ (۱۳۷۸). مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹). جلد چهارم: گزارش عملکرد چهار سال اول برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، گزارش عملکرد اقتصاد کلان. مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- کریمی، فرزاد. (۱۳۷۹). تحلیلی نظری و تجربی پیرامون عوامل تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی کشور. طرح تحقیقاتی انجام شده در دانشگاه آزاد اسلامی مبارکه.

ب) انگلیسی

- Adams, F.G.; Behraman, Boldin. (1992). Productivity, Compltilivences *Export Growth in Developing Countries*.
- Bevgum. (1988). Export and Economic Growth in Bangladesh. *Journal of Development Studies*. Vol. 35, No. 1.
- Edwards, S. (1992). Trade Orientation, Distrotions and Growth in Developing Countries. *Journal of Development Economics*. Vol. 39, No. 1, pp. 31-57.
- Edwards, S. (1993). Openness, Trade liberalization and Growth in Developing Countries. *Journal of Economics Literature*. Vol. XXXI, pp. 1358-93.
- Peter, A. & Petri (1993). *Kovean Industrial Policy*. World Bank Discussion Papers. No. 197.
- Page. M., Peter. A. Petri. (1993). *Productivity Change and Strategic Growth Policy In The Asian Mirack*. World Bank, Working Paper.
- Perkins, F.C. (1997). Export Performance & Rnterprise Reform in China's Coastal Provinces. *Econ. Devel. & Cultural Change*. Vol. 45, Number 3, pp. 501-40.
- Rahman, M.A. (1993). *Export and Economic Development of Bangladesh*. Dhaka: Young Economists Association.

منتشر می‌شود

خطابه در علم اقتصاد

نویسنده: دانالد ان. مک کلاسی

مترجم: بایزید مردوخی